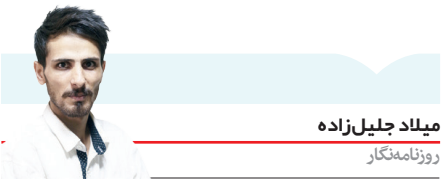


درباره اتفاقات کم‌سابقه در جشنواره سی‌ونهم

جشنواره ممیزی در سال آخر دولت روحانی



میلاد جلیل‌زاده

روزنامه‌نگار

در گذشته فیلم‌ها برای اینکه بتوانند در جشنواره فجر نمایش داده شوند، از معاونت سینمایی (و از دوره‌ای به بعد سازمان سینمایی) یک پروانه نمایش موقت می‌گرفتند. اتفاقا یکی از مهم‌ترین مواردی که به جشنواره فجر هیجان می‌داد، همین بود که می‌شد تمام فیلم‌ها را قبل از اینکه نگاه‌های میزبان در آن اعمال شود، دید. بسیاری از فیلم‌های سینمای ایران در همین جشنواره فجر توسط اصحاب رسانه و منتقدان دیده شدند و پس از آن هیچ‌گاه نتوانستند رنگ‌پرده را ببینند. اولین بدعتی که در دولت فعلی درباره پروانه نمایش فیلم برای جشنواره فجر گذاشته شد، تبدیل پروانه موقت جشنواره‌ای به پروانه اکران بود. متولیان فجر از جایی به بعد گفتند هر فیلم برای نمایش در این جشنواره، باید از تمام صافی‌ها بگذرد؛ طوری که نمایش آن در جشنواره مساوی با فراهم شدن شرایط اکران عمومی‌اش باشد.

این اتفاق به سبب محافظه‌کاری شدید مدیران دولت فعلی و عدم تمایل آنها برای پرداخت هر هزینه سیاسی و اجتماعی در دفاع از سینما رخ داد. از طرف دیگر قبلا قانونی وجود داشت که مطابق آن هر فیلم ایرانی برای حضور در جشنواره فجر، باید اولین نمایشش را در این رویداد انجام می‌داد. این قانون به‌طور رسمی لغو نشده اما امسال شاهد هستیم حداقل در یک مورد توسط کیمیاگران حقوق و اجراکنندگان آیین‌نامه‌ها دور زده شده است. بدعت جدیدی که در جشنواره فجر راجع به ممیزی فیلم‌ها گذاشته شد، تنها بدعتی نیست که در دوران مدیران فعلی ارشاد، جشنواره فجر آن را تجربه کرد. جداسدن بخش ملی و بخش بین‌الملل و تغییرات اساسی در نوع برگزاری بخش‌های مربوط به اصحاب رسانه هم در این زمینه قابل اشاره هستند. ظاهرا همه‌چیز به سمت برگزاری یک حاشیه‌تر این رویداد ریل‌گذاری شده است. نمایش فیلم‌ها در جشنواره فجر حتی اگر قرار بود این فیلم‌ها بعدا توقیف شوند، باعث می‌شد ممیزی و توقیف هم در بوته قضاوت اصحاب رسانه و منتقدان قرار بگیرند. هنوز سر این بحث است که آیا گزارش یک جشن و رستاخیز باید توقیف می‌شدند یا نه و اکثر کسانی که در این باره



نگران می‌کند، این است که بدعت‌های جدید توسط مدیران فرهنگی بعدی هم حفظ شوند و این ترس بی‌موردی نیست. درحال حاضر مدیران فرهنگی سقف تحمل را بسیار کوتاه‌تر از قبل کرده‌اند و بالا بردن این سقف و رساندن آن به همان ارتفاع قبلی، انرژی زیادی از اهالی سینما خواهد گرفت؛ درحالی که همه می‌خواهند وضعیت از قبل بهتر شود نه اینکه تازه به همان حالت قبل برسد.

حساسیتی وجود ندارد. ضدیت با لایحه قصاص، زیرسوال بردن ارزش‌های اخلاقی و سنتی جامعه و موارد متعدد دیگری از این دست، نمی‌توانند مانع ورود یک فیلم به جمع آثار جشنواره شوند اما سر تراشیده یک زن و چند متلک طنزانه درمورد مسائل سیاسی، به راحتی این کار را می‌کنند. با این حساب خیلی ساده و صریح می‌شود گفت این سختگیری‌ها از سر اعتقاد، حتی اعتقادی متعصبانه نیستند؛ بلکه بر اثر محافظه‌کاری شدید ایجاد شده‌اند. چیزی که اهالی سینما را

غیبت موجه

عباس رافعی

عباس رافعی، کارگردان ۵۸ساله ونسبت‌پرکار ایرانی، تا به حال هیچ‌وقت اینقدر حاشیه نداشت و درمورد ممیزی به مشکل نخورده بود. اصولا جنس فیلمسازی او طوری نیست که در موردش توقع هر نوع حاشیه‌ای به وجود بیاید؛ اما در سال آخر دولت دوازدهم، بالاخره او هم به فهرست کسانی که توسط ممیزی و حواشی‌اش گزیده می‌شوند اضافه شد. فیلم «غیبت موجه» عباس رافعی داستانی زنی را روایت می‌کند که در دل جامعه دنبال گمشده‌اش می‌گردد. دست‌اندرکاران این فیلم ادعا می‌کنند شورای پروانه نمایش مانع حضور فیلم در جشنواره فیلم شده است. در این زمینه میترا حجار، بازیگر این فیلم که مدعی است «غیبت موجه» به دلایل ناموجه توقیف شده، نوشته: «اینکه فیلمی به دلیل نمایش دادن واقعیت‌های جاری در سطح جامعه، امکان نمایش را از دست بدهد، هم تعجب‌آور است و هم تأسف‌آور.»



صحنه‌زنی

علیرضا صدقی

علیرضا صدقی فیلمساز جوانی است که سال ۱۳۹۵ برای اولین بار با فیلم بی‌نامی، نامش شنیده شد. فیلمی بابازی باران کوثری وحسن معجونی درباره یک زوج تناتری. حالا دومین فیلم او با نام صحنه‌زنی، حتی قبل از دیده شدن، بیشتر از فیلم اول این فیلمساز جوان نامش را مطرح کرده است. ادعای توقیف «صحنه‌زنی» را اول بار علیرضا صدقی کارگردان این فیلم مطرح کرد. او نوشت: «یکشنبه هفته گذشته صحنه‌زنی» برای داورها نمایش داده می‌شود، با پروانه نمایش! خبر می‌رسد فیلم در چند بخش کاندیدی جدی است. پنجشنبه دوباره تماس می‌گیرند که جمعه فیلم را دوباره پروانه نمایش می‌خواهند ببینند. نه‌صحب جمعه فیلم دیده می‌شود و بعد همه چیز تبدیل به سکوت می‌شود. «فیلم دیده می‌نویسد که» اگر فیلم را توقیف نکرده‌اید، پروانه نمایشش را صادر کنید و بگویید چرا به یکی از بازیگران اصلی فیلم از جمعه با شماره nocallerid تماس می‌گیرید!»



چپ، راست

حامد محمدی

دیگر غایب جشنواره «چپ، راست» حامد محمدی است. چهارمین فیلم کارگردانی که بیشتر به دلیل سابقه پدرش در تهیه‌کنندگی شناخته می‌شود؛ اما در این فیلم به دلیل بازی رامبد جوان، پیمان قاسمخانی، ویشکا آسایش، سروش صحت و سارا بهرامی بسیاری منتظر تماشای کار او بودند. ایده این فیلم، تقریبا با همین نام، سال‌ها پیش توسط منوچهر محمدی در برنامه هفت‌با اجرای فریدون جیرانی عنوان شد. محمدی در آنجا گفت که می‌خواهد این فیلم را با کارگردانی کمال تبریزی جلوی دوربین برد اما بالاخره پس از سال‌ها آن را با سپرش ساخت. این فیلم که گفته می‌شود داستان جلیه‌جاشدن بچه‌های یک زوج اصولگرا و اصلاح‌طلب را روایت می‌کند، به‌خاطر اشارات و کنایه‌هایش نسبت به اتفاقات سیاسی روز مجوز نمایش در جشنواره را به دست نیاورد.



قاتل و وحشی

حمید نعمت‌الله

پرحاشیه‌ترین توقیف امسال جشنواره فیلم فجر، قاتل و وحشی ساخته حمید نعمت‌الله است که لیلیا حاتم‌ی در آن با سر تراشیده ظاهر شده است. وقتی اکثر اهالی سینما و اصحاب رسانه منتظر بودند تا در این خصوص با تکنیبیه مدیران روبه‌رو شوند، شنیده شد مدیران گفته‌اند مساله موی تراشیده لیلیا حاتم‌ی نیست، بلکه نشان داده شدن گوش‌های او است. بازگویی زن‌ها در سینما با سر تراشیده ماجرای تازه‌ای نیست و پیش‌تر بازیگرهای زیادی این تجربه کرده‌اند، مثل فریماه فرجامی در فیلم «سرب»، رویانونهالی در «زندگانه زن»، زهرا داوودنژاد در «بچه‌های پد»، شایسته ایرانی در «آینه‌های رویه‌رو»، پانته‌آ بهرام در «شنای پروانه» و رویا تیموریان در «شیفتگی» که برخی هم به نحوی با مشکل مجوز روبه‌رو شدند اما هیچ‌کدام در راه جشنواره فجر متوقف نمی‌شدند.



یک پنجم فیلم‌های فجر امسال به خاطر ممیزی حذف شدند

امسال از ۴۷ فیلمی که قرار بود در جشنواره حاضر باشند و لابد

خیلی‌هایشان به دلایل کیفی کنار

گذاشته شدند، چهار فیلم طبق گفته‌های سازندگان‌شان که از سوی متولیان فجر تکذیب نشده، تنها به دلیل ممیزی نتوانستند در جمع باقی‌آثار باشند. به عبارتی امسال یک پنجم آثار جشنواره فجر به دلیل ممیزی کنار گذاشته شدند و این اتفاق حتی قبل از دیده شدن‌شان توسط حداقلی از اهالی مطبوعات و سینما رخ داد. چنین چیزی در تمام ادوار مدیریتی فجر بی‌سابقه است. گذشته از اینها، بعضی از آثار حاضر در رقابت هم پس از اعمال اصلاحیه‌های فراوان مجوز حضور در فجر سی‌ونهم را دریافت کرده‌اند.

چند فیلم که اگر اکران فجر نبود، هیچ قضاوتی درباره توقیف‌شان نداشتیم

فیلم‌های زیادی در جشنواره فجر نمایش

داده شده‌اند و پس از آن برای اکران به‌مشکل برخوردند. بسیاری از این فیلم‌ها بالاخره رنگ‌پرده را دیده‌اند و شاید یکی از عوامل موثر در رفع توقیف‌شان

همین دیده شدن آنها توسط منتقدان و اهالی رسانه در جشنواره فجر بوده است. دیده شدن فیلم‌ها باعث می‌شد که معترضان به توقیف آنها، دست‌شان در ارائه استدلال علیه مدیران دولتی باز باشد و فشارهای منطقی از همین‌جا آغاز می‌شدند. اما وقتی فیلم را توقیف می‌کنند و حتی صحنه‌ای از آن را به‌شما نشان نمی‌دهند تا بتوانید بگویید که این توقیف بی‌مورد بوده یا نه، یک خفقان گفتمانی اتفاق افتاده است؛ چیزی که تا قبل از روی کار آمدن دولت فعلی بی‌سابقه بود و حتی سختگیرترین مدیران سینمایی، حاشیه‌سازترین فیلم‌ها را لااقل در جشنواره فجر نمایش می‌دادند. غیر از فیلم‌هایی که بالاخره پس از کش‌وقوس‌های فراوان دیده شدند، فیلم‌هایی هم هستند که حتی در ارجاعات تاریخ سینمای ایران نام‌شان برده می‌شود اما به‌جز جشنواره فجر، هنوز در جای دیگری دیده نشده‌اند. مرور چند نام از این فهرست به‌ما نشان خواهد داد که چه راهی را طی کرده‌ایم و بدعت جدیدی که توسط مدیران فرهنگی فعلی گذاشته شده، اگر ادامه پیدا کند،



گزارش یک جشن

«گزارش یک جشن» که در ابتدا «بانوی شهر ما» نام داشت، درباره یک موسسه است که توسط همسر یک رزمنده اداره می‌شود در آنجا ضمن آموزش‌های پیش از دواج به جوانان، زمینه‌آ‌آ‌هایی که به‌همدیگر علاقه‌مندند، فراهم می‌شود. در این میان، یک سرگرد (با بازی رضا کیانیان) با حکم تخلیه به این موسسه می‌آید تا آن را تعطیل کند و همین چالش به وقایعی از جمله تجمعات خیابانی منتهی می‌شود. با وجود آنکه این فیلم اشاره واضحی به حوادث سال ۱۳۸۸ ندارد، برخی منتقدان حاتم‌ی کیاد را آن سال‌ها که با ساخت این فیلم و فیلم‌پیشین او مشکل داشتند، گزارش یک جشن را در راستای حمایت از این حوادث قلمداد کردند و نقدهای آتش‌سینی علیه این کارگردان نوشتند که به‌مراتب تندتر از نقدهای به‌نگارش درآمده درباره فیلم «دعوت» بود. در یکی از این نقدها در سال ۱۳۸۹ آمده بود: «گزارش یک جشن، گزارش یک خون دل است، گزارش یک بغض، بغض فرهنگ و هنر انقلاب اسلامی برای ابراهیم حاتم‌ی کیا. حاتم‌ی کیا دیگر حق ندارد از دفاع مقدس بگوید. او همان بهتر که بر سیاق این چندسال از حاملگی ناخواسته، اجازه رحم و بانوی‌شهر خود بگوید. گزارش یک جشن است؛ گزارشی است از تضادهای درونی یک کارگردان که قرار است با تصویرپردازی او، به پای جامعه ایرانی نوشته شود.»



صدسال به این سال‌ها

فیلم «صدسال به این سال‌ها» با یک فرم شبه‌اپیزودیک، داستان یک نسل از مردم این سرزمین را در بستر یک خانواده و یک دوستی از زمان پهلوی تا اثنای انقلاب اسلامی و سال‌های اخیر را روایت می‌کرد. مضامین فیلم و نشانه‌گذاری‌های خاصی که توسط کارگردان در بخش‌های مختلف آن تعبیه شده بود، چنین می‌نمایاند که تاریخ اجتماعی ایران، پیش از انقلاب و پس از انقلاب تفاوت‌های معنایی دارد و نوعی تیرگی و سیاهی را برای سال‌های پس از انقلاب به‌تصویر می‌کشد که بخشی از آن را نتیجه اتفاقات پس از انقلاب، از جمله جنگ تحمیلی می‌داند. این شیوه روایت را همان سال‌ها در فیلم «این خانواده محترم» و در سال‌های اخیر در فیلم «ناگهان درخت» هم دیده‌ایم. به‌رغم اینکه در این فیلم هنرپیشه‌های معروفی مثل پرویز پرستویی و فاطمه معتمدآریا بازی کرده‌اند و کارگردان صاحب‌نامی هم مثل سامان مقدم پشت دوربین آن قرار داشت، توقیف چندساله‌اش به‌خاطر ریتم کند و کش دار فیلم و عدم جذابیت داستانی‌اش، چندان حاشیه‌ساز نشد. اگر فیلم در جشنواره فجر دیده نشده بود، تا به حال حواشی این توقیف گوش فلک را می‌شکافت.



زمهریر

نمایش و نشست خبری فیلم «زمهریر» در جشنواره فیلم فجر بسا اعتراض تماشاگران، منتقدان و مسئولان همراه بود. علی‌رود، رئیس کارگردان زمهریر پس از آن نشست از دنیای فیلمسازی خداحافظی کرد؛ نشست که پس از نمایش فیلم تا پاسی از شب طول کشید و جنجالی‌ترین نشست جشنواره فیلم فجر تا به حال بوده است. البته خداحافظی روئین‌تن پایدار نماند و خرداد همین امسال بود که بنیاد سینمایی فارابی یک خبر مهم را درخصوص پروژه جدید خود منتشر و در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که علی‌رود رئیس‌تن نگارش اثر تازه‌ای را در سینمای دفاع مقدس با حمایت این بنیاد سینمایی آغاز کرده است. در آن مقطع گفته شد که این فیلم‌نامه در مرحله تحقیق و نگارش قرار دارد و برای نخستین بار در سینمای ایران، زندگی و مبارزات شهید ابراهیم‌هادی در آن روایت می‌شود. اما زمهریر داستان دختری یکی از شهدای جنگ ایران و عراق است که بعد از سال‌ها به وصیت پدرش سراغ فرمانده و هم‌رزم او می‌رود. این فیلم به‌دلیل توهمین به خانواده شهدا و نمایشی سیخف از چهره مقدسات حاشیه‌ساز شد، درحالی‌که فیلم قبلی کارگردانش هم درباره خانواده شهدا بود و فیلم‌فارسی به حساب می‌آمد اما برخوردها با آن گاهی بسیار همدلانه بود.



رستاخیز

رستاخیز فیلمی درباره قیام عاشورا و شهادت امام حسین (ع) است که در آن چهره حضرت ابوالفضل (ع) هم نمایش داده می‌شود و همین نکته انتقادهایی را در پی داشت. به نظر بسیاری از مراجع تقلید نمایش چهره حضرت ابوالفضل (ع) به‌لحاظ فقهی هیچ‌معنی نمی‌تواند داشته باشد اما برخی از مراجع هم آن را مورد انتقاد قرار دادند. این فیلم در دوم دی ۱۳۹۲ در سینما فرهنگ با حضور برخی اعضای دولت اکران خصوصی شد و در ۱۶ بهمن ۱۳۹۲ در کاخ جشنواره فجر هم‌زمان با برگزاری سی‌ودومین دوره جشنواره فیلم فجر به‌نمایش درآمد. نهایتا رستاخیز در ۲۴ تیر ۱۳۹۴ با مجوز قانونی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به اکران عمومی درآمد اما ساعتی پس از آن در پی تجمع عده‌ای از افراد معترض، از پرده سینماها به‌پایین کشیده شد؛ معترضانی که حتی جلوی سالن سینما در اعتراض به این فیلم اقدام به قهقهه‌زنی کردند. عملکرد دولت فعلی در خصوص فیلم رستاخیز، یکی از مورد انتقادترین عملکردهای آن در حوزه فرهنگ است و تنها شانس که احمدرضا درویش آورد این بود که قبل از استقرار کامل مدیران فرهنگی این دولت و اعمال قانون جدید تو است فیلمش را در فجر نمایش دهد.

